

ادیان بزرگ، قاعده زرین و «دیگری»

محمد کریمی لاسکی*

احد فرامرز قراملکی**

چکیده

مقاله حاضر، تحلیلی محتوایی از نگاه هفت دین زنده جهان (یهودیت، مسیحیت، اسلام، بودا، هندو، کنفوسیوس و زرتشت) به قاعده زرین است. این قاعده در نگاه ادیان، شامل مؤلفه‌هایی چون «خود»، «دیگری» و «پسندیدن» است که با نگاه به روابط بین‌شخصی، از متدینان به هر یک از ادیان، عمل به آن مطالبه شده است. نگرش مطلوب ادیان، خود را در وضعیت وجودی دیگری دیدن یا از منظر دیگری به رفتار خود نگریستن بوده است. توجه به مؤلفه‌های مختلف این قاعده در گزارش ادیان، به ویژه مؤلفه «دیگری»، نشان می‌دهد که از منظر ادیان، مراعات قاعده زرین صرفاً در برابر هم‌کیشان نیست و این قاعده در تراز یک قاعده همگانی و جهان‌شمول و صرف‌نظر از کیش و آئین خاصی، از سوی ادیان توصیه شده است.

واژگان کلیدی

دین، اخلاق، قاعده زرین، فرمان محبت، اصل مقابله به مثل، دیگری.

طرح مسئله

توافق و تخالف احتمالی اخلاق فلسفی^۱ با اخلاق دینی^۲ در سایه واکاوی دقیق اخلاق دینی، قابل بررسی

karimi11401@gmail.com

akhlagh_85@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۹

1. Philosophical Ethics.

2. Religious Ethics.

*. کارشناس ارشد فلسفه دین دانشگاه تهران.

** .استاد دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

خواهد بود. مطالعات بین ادبانی در حوزه بایدها و نبایدهای اخلاقی، زمینه پژوهش در موضوع اخلاق دینی را فراهم می‌سازد. در میان قواعد اخلاقی، «قاعده زرین»^۱ از سنجه‌های مهم اخلاقی است که ادیان نیز بدان توجه کرده‌اند. بررسی دیدگاه ادیان بزرگ جهان در مورد قاعده زرین، به‌مثابه یک قاعده اخلاقی و دینی، مسئله پژوهش حاضر است و مهم‌ترین محور موردنظر نیز عطف توجه به مؤلفه «دیگری» در این قاعده از منظر ادیان است. سوالات این تحقیق بدین قرار است: آیا در تعالیم هفت دین بزرگ دنیا، که پیروان آنها غالب مردم جهان را تشکیل می‌دهند، سخنی از قاعده زرین به میان آمده است؟ در این صورت، هر یک از ادیان یهودیت،^۲ زرتشت،^۳ کنفوسیوس،^۴ بودیسم،^۵ هندو،^۶ مسیحیت^۷ و اسلام^۸ چه قالبی و چه صورتی از قاعده زرین را به پیروان خود توصیه می‌کند؟ قیود مدنظر ادیان، به ویژه ویژه در مورد مؤلفه «دیگری» در مورد قاعده چیست؟ آیا دستورالعمل ادیان در مورد رعایت این قاعده صرفاً شامل پیروان خود است یا شامل غیرهم‌کیشان نیز می‌شود؟ اینها پرسش‌هایی است که می‌توان با توصیف، تحلیل و بررسی مفاد متون ادیان یاد شده، به پاسخ آنها دست یافت. فرضیه‌های پیش روی این مسائل، چنین است که: اولاً همه ادیان نسبت به قاعده زرین، توصیه و دستور داشته‌اند و اگرچه در برخی از ادیان، صورت مشهور قاعده زرین نیامده است، با دقت و تحلیل بیشتر می‌توان آنها را در قالب مشهور قاعده زرین صورت‌بندی کرد؛ ثانیاً هیچ تعارضی در توصیه مختلف ادیان نسبت به این قاعده دیده نمی‌شود؛ یعنی قاعده زرین، یک دستورالعمل مشترک در میان تمامی ادیان پیش‌گفته است؛ ثالثاً قید محدودکننده‌ای در مورد قاعده زرین وجود ندارد؛ از این رو شامل هر فرد «دیگری»، صرف‌نظر از دین و مذهب خاص خواهد بود. در نهایت با تحلیل برخی از متون معلوم می‌شود که دستور ادیان به رعایت این قاعده، یک دستور ارشادی است؛ به این معنا که توصیه به آن، تذکری برای درون‌نگری و تنبّه به حکم عقل است.

تاکنون دو مقاله قابل اعتنا در این باره انتشار یافته است؛ یکی با عنوان «قاعده زرین در حدیث و اخلاق» اثر سید حسن اسلامی که به موضوعات متنوعی در مورد ارتباط قاعده زرین با دین پرداخته است؛ ولی چندان با اثر حاضر همخوانی ندارد؛ زیرا اولاً در اثر حاضر، متون هفت دین زنده جهان بررسی شده است؛ ولی ایشان مطابق عنوان مقاله، بیشتر به نسبت مأثورات اسلامی با قاعده زرین پرداخته است و به ادیان دیگر از جمله کنفوسیوس تنها اشاره کرده است؛ ثانیاً در مورد دین اسلام هم به آیات محدودی،

1. Golden Rule.
2. Judaism.
3. Zoroastrianism.
4. Confuciusism.
5. Buddhism.
6. Hinduism.
7. Christianity.
8. Islam.

اشارهٔ گذرا کرده است و در همان آیات محدود هم، چندان در تطبیق قاعده زرّین موفق نبوده است؛ از این جهت، در مقاله حاضر، نظر ایشان درباره ربط آیاتی چون: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن، آیه ۶۰) و آیه «وَلْيَعْنُوا وَيُكْفِّرُوا لَا تُجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» با قاعده زرّین نقد خواهد شد.

دومین اثر با نام «تأملاتی در کاربرد قانون زرّین اخلاق در قرآن» علاوه بر اینکه نسبت به مسئله پژوهش حاضر، خاص است و صرفاً به بررسی آیات می‌پردازد، در بررسی برخی از آیات، دچار همان اشکال مقاله قبل شده است و در بخش مربوط به اسلام، بررسی و نقد خواهد شد. علاوه بر اینکه هر دو مقاله، چندان تأکیدی بر واکاوی مؤلفه «خود» و «دیگری» در قاعده زرّین از منظر اسلام و دیگر ادیان، جز اشارهٔ مختصری ندارند؛ از این رو نوآوری‌های مقاله حاضر عبارتند از: ۱. تحلیل و بررسی مفصل‌تر نسبت به دیگر ادیان زنده غیر از اسلام؛ ۲. بررسی مؤلفه‌های قاعده زرّین خصوصاً مفهوم و دامنه «دیگری» در آن ادیان، به ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام. ۳. نقد دیدگاه مقاله اول در مورد انطباق برخی از آیات بر قاعده زرّین. بررسی قاعدهٔ «مقابل به مثل» در مسیحیت، مقدمه فهم بهتر آیات قرآن مطابق با قاعده زرّین است که مورد توجه مقاله حاضر قرار گرفته است.

ترتیب تاریخی بررسی ادیان، برگرفته از گزارش فیلسوف اخلاق و دین، هری گنسلر است. (Gensler, 2013: Ch 5) ترتیب دیگری از سوی دین‌پژوهانی همچون رونالد سویدلر (Swidler, 1999:12) مطرح شده است که در آن، قاعده زرّین از نگاه زرتشت مقدم دانسته شده است. با توجه به اینکه پیدایش یهودیت، نزدیک هزار و پانصد سال پیش از میلاد بوده است، این ایجاب می‌کند که گزارش آیین یهود مقدم شود؛ اگرچه اگر بخواهیم تاریخ ثبت‌نشده‌های آیین یهود را در نظر بگیریم، احتمالاً چندان تفاوتی در ارزش تاریخی آثار بین یهودیت، کنفوسیوس، زرتشت و بودا در بین نباشد. گزارش گنسلر از روند تاریخی توجه به قاعده زرّین، از نظر تعداد، مفصل و از لحاظ محتوا، مجمل و گاه ناقص است. در پژوهش حاضر، ترتیب گزارش مربوط ادیان بزرگ مورد نظر بوده است، نه تمامی آثار بشری در مورد قاعده زرّین.

در پژوهش حاضر، متون ادیان مختلف به صورت گزینشی توصیف شده و با روش تحلیل محتوایی بررسی شده‌اند. با توجه به محدودیت نسبت به زبان اصلی متون مقدس غیر از اسلام، سعی شده است از ترجمه‌های معتبر انگلیسی استفاده شود. در مورد آیین زرتشت، هم به ترجمه انگلیسی و هم به ترجمه فارسی توجه شده است. در ادامه، متناسب با ترتیب تاریخی به توصیف، تحلیل و بررسی قاعده زرّین از دیدگاه ادیان یادشده می‌پردازیم.

قاعده زرّین، «خود» و «دیگری»

صورت ساده و مشهور قاعده زرّین چنین است: «آنچه را برای خود دوست می‌داری، برای دیگران دوست

بدار و آنچه را بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران نیز می‌پسند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) یا: «فرد باید با دیگران به‌گونه‌ای رفتار کند که آرزو دارد (خوش دارد) دیگران با او رفتار کنند» (Hare, 1965:34) یا: «با دیگران چنان رفتار کن که می‌خواهی دیگران با تو (همان‌گونه) رفتار کنند». (Wattles, 1996:3) قاعده زرّین در میانه قرن شانزدهم از آن‌رو به زرّین (طلایی) وصف شد که نشان از تفوق بر دیگر قواعد دارد. (Green, 2008:2) جی سینگر وجه تسمیه قاعده به زرّین بودن را احتمالاً ارزش بی‌حد و حصر آن دانسته است (سینگر، ۱۳۹۲: ۵۶)

واژه قاعده (قانون)^۱ نیز استاندارد، الگو یا سنجه بودن آن را برای اخلاق مشخص می‌سازد. (Wattles, 1996:78) این قاعده در واقع ملاک بسیار ساده‌ای، دست‌کم برای مدیریت رفتاری‌های بین‌شخصی^۲ انسان‌ها است. در قواعدی همچون قاعده زرّین یا اصل مقابله به مثل (با دیگران مانند خودشان رفتار کنید)، اخلاقی فرمول‌گرا و صوری^۳ توصیه می‌شود. ماده خاصی در این قواعد وجود ندارد؛ اما هر کدام، شاخص و سنجه بررسی رفتارهای بین‌شخصی است؛ از این‌رو قاعده زرّین پیش از آنکه بر محتوای اخلاق دلالت کند و بگوید دقیقاً چه کاری بکنید و از چه کاری بر حذر باشید، معیار و الگویی را برای رفتار معرفی می‌کند. به‌طور طبیعی، هر کس می‌داند چطور باید یا نباید با او رفتار شود، یا آنکه چه رفتاری رنج‌آور یا خسران‌زا است و با همین دانسته ساده، رفتار خود را با سرلوحه قرار دادن قاعده زرّین، در مواجهه با دیگران تنظیم می‌کند. این مطلب وقتی مهم تلقی خواهد شد که روشن شود ادیان بزرگ و زنده جهان به‌طور مشترک، رویکرد توصیه‌محورانه‌ای نسبت به این قاعده داشته و از پیروان خود خواسته‌اند در مواجهه با «دیگران» از این سنجۀ اخلاقی بهره بگیرند. از این جهت می‌توان مدعی شد عمل مطابق با قاعده زرّین، یک فرمان الهی است و در اخلاق دینی جای می‌گیرد و به همین دلیل، بهترین پشتوانۀ عمل به چنین دستورالعملی در میان پیروان ادیان و مذاهب، دینی و الهی بودن این قاعده است.^۴

ناگفته پیداست که در قاعده زرّین، دست‌کم درک سه چیز پیش‌فرض حتمی دانسته شده است: خود، دیگری و مجموعه پسندها و ناپسندهای خود. پیش‌فرض اول و دوم، قاعده زرّین را توصیه‌ای به اخلاق خودمحور - دیگرمحور تبدیل می‌کند. مطالعات در متون ادیان بزرگ نشان می‌دهد که بیشتر ادیان به مؤلفۀ «دیگری» توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ اگرچه گویا همگی درک خود و پسندهای خود را پیش‌فرض درک دیگری و تحقق قاعده زرّین دانسته‌اند. به هر ترتیب، با توجه به حب ذات که در هر انسانی قابل

1. Rule.

2. Interpersonal.

3. Formal Ethics or Ethical formalism.

۴. خواننده محترم توجه دارد که آنچه ذیل اخلاق دینی یا فرمان الهی قرار می‌گیرد، الزاماً خارج از فرمان‌های عقل عملی نیست؛ از این‌رو قاعده زرّین می‌تواند با حفظ عقلانیت فلسفی خود، در برابر چالش‌های احتمالی، مورد تأیید اخلاق فلسفی نیز باشد.

تصور است، بهترین دلیل (یا علت) در میان متدینان برای خروج از مرزهای وجودی خود و توجه به دیگری، تعالیم دینی شمرده می‌شود.

قاعده زرّین در آیین یهودیت

از پنج کتاب تورات (آفرینش، خروج، لایوان، اعداد و تثنیه) که به همراه بخش‌های مفصل دیگر، به تعبیر یهودیان، مجموعه «تنخ»^۱ یا به تعبیر مسیحیان، «عهد عتیق» را تشکیل می‌دهند، سفر خروج به داستان خروج موسی به همراه پیروانش از مصر می‌پردازد و مجموعه «ده فرمان»^۲ و نیز دستورات مختلف اخلاقی و شرعی را دربر می‌گیرد. در میان چهار گونه ارتباط: قدسی (ارتباط با خدا)، درون‌شخصی (ارتباط با خود)، بین‌شخصی (ارتباط با دیگر انسان‌ها) و برون‌شخصی (ارتباط با محیط زیست طبیعی، حیوانی و انسانی) از مجموع ده فرمان، چهار فرمان ناظر بر رابطه قدسی است. (Tanakh, 142; Exodus 20)

چهار فرمان ابتدایی، شامل این موارد است: ۱. من خدای تو هستم؛ کسی که تو را از سرزمین مصر نجات داد؛ ۲. نباید جز من خدایی داشته باشی، هیچ شکل تراشیده‌ای (بت) از آنچه در آسمان و زمین است ... نساز و پرستش نکن؛ زیرا من خدای غیوری هستم ... ۳. نام خدایت را بیهوده بر زبان نیاور ... ۴. روز شنبه را به‌خاطر داشته باش تا مقدسش بداری.

شش فرمان، بعدی ناظر به روابط بین‌شخصی^۳ است و تمامی این شش فرمان را می‌توان همسو با قاعده زرّین و به نوعی کاربست آن دید: ۵. به پدر و مادرت احترام کن ... ۶. قتل مکن؛ ۷. زنا مکن؛ ۸. دزدی مکن؛ ۹. علیه همسایهات شهادت دروغ مده؛ ۱۰. به مال و ناموس همسایهات طمع نورز ... در ادامه متن مقدس، فرمان‌های دیگری نیز در حوزه اخلاق و فقه مطرح می‌گردد. فرمان‌های مهمی که در سفر خروج، صراحت بیشتری در تأیید قاعده زرّین دارند، به بیان زیر است:

به شخص غریبه (خارجی) ظلم نکنید؛ برای اینکه خودتان در مصر غریب بودید.
(Exodus 22:20 or 21)

به شخص غریبه نباید ستم کنی؛ به این خاطر که تو خود (شما خودتان) در مصر غریب بودی (بودید) و از حال غریبان با خبری (با خبرید). (Exodus 23:9)

بررسی

این دو فقره، تکرار یک مطلب هستند؛ با این تفاوت که در فقره اول، صراحت کمتری نسبت به قاعده

1. Tanakh.
2. Ten Commandments.
3. Interpersonal.

زرّین دیده می‌شود و برخلاف فقره دوم، قید «آگاهی» از وضعیت غریبه‌ها ذکر نشده است؛ اگرچه صراحتاً واژه «برای اینکه»^۱ به مثابه تعلیل حکم در این فقره تصریح شده است. در این دو جمله، علت منع ظلم به یک خارجی (غریبه) به درون‌نگری موسی علیه السلام و پیروانش محوّل شده است؛ به این معنا که (ای موسی) شما «خود» زمانی در مصر، جایی که فرعون وضعیتی کفرآمیز و غیر همسو با دین شما فراهم کرده بود، همچون یک غریبه و خارجی دیده می‌شدید و خوب می‌دانید که در چنین وضعیتی، ستم و بدرفتاری، چه احساسی به شخص غریب در همان وضعیت وارد می‌سازد. بنابراین نباید نسبت به غریبه‌هایی که اکنون با آنها مواجه هستید، مرتکب بدرفتاری و ستم شوید؛ از این رو متن مقدس در مقام تعلیل منع ظلم در مقابل غریبه‌ها، به قاعده زرّین تمسک کرده است؛ یعنی مطابق این فقره، قاعده زرّین در مقام توجیه^۲ ظلم نکردن به دیگران حتی غریبه‌ها قرار گرفته است.

نکته قابل توجه دیگر، واژه «غریبه» (خارجی) است که بدون هیچ قیدی در نوع دین و کیش و آیین، در متن مقدس آمده است؛ به‌ویژه اینکه، وقتی موسی علیه السلام وضعیتی را که در مصر داشت، یادآوری می‌کند، در واقع تقابل دو دین کاملاً متناقض تصویر می‌گردد (دین موسی و دین فرعون) و توقع آن است که با یادآوری - حتی - نسبت به آن وضعیت متضاد، نسبت به غریبه‌ها ستمگری روا مدارد. در ادامه، فقره دیگری از سفر خروج بررسی می‌شود که بر توجه به وضعیت بدی که ممکن است انسان با آن مواجه گشته، همانند دیگران گرفتار شود، تأکید می‌گردد:

از بیوه و یتیم، بهره‌کشی نکنید. اگر چنین کنید و آنها به درگاه من فریاد برآورند، من اجابت خواهم کرد و ... شما را هلاک خواهم کرد تا همسر و فرزندتان بیوه و یتیم شوند.
(Exodus 22:21-24)

بررسی

این فقره از سفر خروج، در مورد نحوه برخورد با بیوه‌زن و یتیم است. ابتدا حکم به منع بهره‌کشی مطرح می‌شود و در ادامه، نتیجه عدم توجه مخاطبان به این مسئله را چنین تصویر می‌کند که اگر عمل نکنید، خدا کاری می‌کند که شما از بین بروید و همسر و کودکانتان دقیقاً در وضعیت مشابه این بیوه‌زنان و یتیمان قرار بگیرند. گویا خداوند در این فقره، یادآوری درباره وضعیت زن و فرزند خود انسان را در شرایط مشابه بیوه‌زنان و کودکان یتیم کنونی، تنبیهی بازدارنده نسبت به مخاطبان خود قرار داده است. اگر دوست نمی‌دارید زن و فرزند خود در شرایطی همچون شرایط بیوگان و یتیمان کنونی قرار بگیرند (که در صورت عدم فرمان‌برداری خدا، آنها را در چنین وضعیتی قرار خواهیم داد)، بر بیوگان و یتیمان ستم روا مدارید.

1. For.
2. Justify.

نکته دیگر اینکه، در این فقره هم، واژه یتیم و بیوه بدون هیچ صفتی آمده است؛ یعنی صرف صدق بیوه بودن و یتیمی در این مورد کفایت می‌کند؛ صرف نظر از آشنا یا غریبه بودن و بدون توجه به هر نوع کیش و آیینی.

بررسی نسبت فرمان محبت و قاعده زرّین

فقره بعدی که به نوعی همزاد قاعده زرّین معرفی شده است، همان فرمان «محبت»^۱ است که باید ربط آن را با قاعده زرّین واکاوی کنیم:

تو نباید انتقام بگیری و نباید کینه ای را علیه کودکان مردم به کار ببندی؛ بلکه باید همانند خود، به همسایهات عشق بورزی. من خدا هستم. (Tanakh, 230; Leviticus)
(19:18)

جفری واتلز تفاوت‌هایی بین فرمان محبت و قاعده زرّین می‌بیند؛ مثل اینکه فرمان محبت، وجوب دینی ندارد؛ بلکه شایستگی و بایستگی این امر را مطرح می‌کند. وی می‌گوید با این حال، این قاعده زرّین است که شیوه محبت‌ورزی هر کس را به همسایه‌اش روشن می‌سازد. (Wattles, 1996:47) به ادعای واتلز، در قرن اول پیش از میلاد، این قاعده زرّین بوده که از آن برای توضیح این فقره از متن مقدس استفاده می‌شده و به نوعی جایگزین آن شمرده می‌شده است. (Ibid) گنسلر البته می‌گوید این دو جمله مکمل یکدیگرند و آنچنان هم‌ارز یکدیگر نیستند. دستورالعمل متن مقدس، انگیزش‌ساز محبت به دیگران خواهد بود و قاعده زرّین، روش علمی برای عملی کردن این دستور را فراهم می‌آورد. (Gensle 2013: 39 & 1998: 113) گنسلر درباره دامنه فرمان محبت هم می‌گوید آیا فرمان محبت تنها شامل همسایه یهودی می‌شود یا دیگران را هم دربر می‌گیرد. وی با تحلیل فقرات دیگر که برخورد مناسب را حتی با خارجی‌ان می‌طلبید، به این نتیجه می‌رسد که در اینجا همسایه شامل هر همسایه‌ای می‌شود و فقط یهودیان را دربر نمی‌گیرد. (Gensler, 2013: 38) در ادامه این مقاله، روایتی از پیامبر اسلام نقل خواهد شد که به صراحت، اکرام به همسایه و والدین و مهمان را فراتر از اسلام و کفر معرفی می‌کند.

تحلیل و بررسی

این فقره که معروف به فرمان محبت است، در عهد جدید هم آمده است (Matthew, 22:39) که در جای خود و با توجه به فقرات قبلی‌اش بررسی خواهد شد. این فقره ناظر به عشق و محبت ورزیدن به دیگری (همسایه) است که هم به «خود» توجه دارد و هم به «دیگری»؛ با این فرض که مخاطب این

1. Great Commandment or Commandment of Love.

دستورالعمل، ابتدا باید خود را فرض نماید و شدت محبت به خودش را لحاظ کند و سپس همسایه‌اش را در نظر گرفته، آنچنان که خود را دوست می‌دارد، به او محبت بورزد. لازمه عمل به چنین دستوری، این است که تمام آنچه را برای خود می‌پسندد، برای همسایه خود نیز بیسندد. بنابراین می‌توانیم رابطه این گزاره را با قاعده زرّین، رابطه لازم (قاعده زرّین) و ملزوم (دستور محبت) بدانیم. با توجه به مطالب پیش‌گفته، از لوازم جدایی‌ناپذیر تحقق فرمان محبت، رعایت قاعده زرّین است. این لزوم را می‌توان به گونه زیر صورت‌بندی کرد:

۱. اگر می‌خواهی همسایه‌ات را همچون خودت دوست بداری.

۲. باید آنچه را برای خود می‌پسندی، برای او بیسندی.

یا: باید با او چنان رفتار کنی که دوست داری با تو رفتار کند.

زیرا: دوست داشتن خود نمی‌تواند تنها یک امر قلبی و بدون اقتضائات رفتاری نسبت به خود باشد. بنابراین می‌توانیم قاعده زرّین را لازمه جدایی‌ناپذیر تحقق فرمان محبت بدانیم. فقره‌ای از تعالیم زرتشت نیز چنین ارتباطی با قاعده زرّین خواهد داشت که در جای خود خواهد آمد. نکته قابل توجه دیگر این است که در مجموعه ده فرمان، دستورالعملی ناظر به رابطه انسان با خودش (درون‌شخصی) وجود نداشت؛ اما اینجا در نحوه تنظیم روابط بین‌شخصی، ارتباط درون‌شخصی مبنا و ملاک نحوه برخورد با دیگری شده است؛ یعنی از آنجا که می‌گویند همسایه‌ات را مانند «خود» دوست بدار، می‌توان چنان برداشت نمود که رابطه انسان با خود، از دیدگاه عهد عتیق اهمیت فراوانی دارد؛ اگرچه در مجموعه ده فرمان، صراحتاً به آن پرداخته نشده است. این مطلب از این جهت اهمیت می‌یابد که قاعده زرّین برای عملی شدن، نیازمند چنین بصیرت‌هایی در حوزه ارتباط درون‌شخصی است.

قاعده زرّین در تعالیم بودا

در سه مجموعه از تعالیم بودا: دمه پادا، اودانه و سوته نیپاتا، از قاعده زرّین سخن گفته شده است. در ادامه به توصیف و بررسی هر سه مورد می‌پردازیم:

هیچ‌چیزی برای انسان، عزیزتر از خودش نیست. بنابراین از آنجا که این دقیقاً همان چیزی است که (هم) برای تو و (هم) برای دیگران عزیز است، به دیگران آسیب (صدمه) نرسان، با همان چیزی که موجب آسیب (و دردمندی) تو است. (Udanavarga, 5:18)

بررسی

این فقره از اودانا، صریح‌ترین تأیید از تعالیم بودا است که به صورت سلبی قاعده زرّین - که اکنون به

«قاعده سیمین»^۱ مشهور است - اشاره می‌کند. در این فقره، به اصل عمومی خودخواهی^۲ و حب ذات^۳ انسان‌ها اشاره شده است. در عین حال، با توجه دادن به اینکه دقیقاً همین حالت خودمحورانه را دیگران هم دارند، می‌خواهد در برابر دیگران از آنچه موجب آزار خود ماست، پرهیز کنیم که این یک ملاک (سنجه و قاعده) رفتاری در مواجهه با دیگران است.

توضیح اینکه ما طبیعتاً خودمحور یا خودخواه هستیم؛ از این رو آنچه را برای خود، آسیب و ضرر و صدمه می‌پنداریم، می‌شناسیم. از طرف دیگر، نسبت به دیگران و وضعیت وجودیشان هم آگاهی داریم و با آنها مرتبط هستیم و می‌دانیم در کنش‌هایی که با آنها داریم، چه رفتارهایی را نباید انجام دهیم. سنجه موردنظر بودا این است که رفتارهایی که برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران هم نپسندیم و این شکل سلبی قاعده زرّین است. فقره بعدی در این باره سخن می‌گوید که خوشبختی هر فرد قطعاً از رهگذر ستم به دیگران دست‌یافتنی نیست.

کسی که دنبال خوشبختی (شادی) است، مادامی که خوشبختی را با ستم و با خشونت نسبت به دیگری - که او نیز خود آرزوی خوشبختی دارد - پی می‌گیرد، بعد از این (یا در آخرت) به خوشبختی نخواهد رسید. (Dhammapada, 131)

بررسی

در این فقره که سومین عبارت ذیل عنوان «خشونت»^۴ در کتاب *دمه پادا* (پده) است، رسیدن به شادی و خوشبختی از طریق ستم به دیگران، تعلیق به محال شده است؛ یعنی هرگز خوشبختی در سایه ستم به دیگران به دست نخواهد آمد. با وجود زمینه‌ای که بودائیان در رسیدن به شادی و خوشبختی در تعالیم بودا دارند، چنین جمله‌ای، نهی صریحی نسبت به این است که برای رسیدن به خوشبختی خود، ستمی (یا رنجی) به دیگران وارد نسازند. نکته مهم در این فقره، آنکه «دیگری»، خود در آرزوی رسیدن به شادی است؛ یعنی همان طور که شما در جستجو و آرزوی خوشبختی هستید، دیگران نیز چنین وضعیتی دارند. بنابراین شما نمی‌توانید برای رسیدن به خوشبختی و شادی خود، دیگران را دچار رنج نمایید. توجه به «خود» و «دیگری» و نیز تنظیم روابط اخلاقی و شرعی براساس توجه به وضعیت طرف مقابل، این فقره از تعالیم بودا را همسو با قاعده زرّین قرار داده است. مورد دیگر هم باز به تقابل خواسته‌های انسان‌ها توجه دارد:

1. Silver Rule.
2. Egoism, Selfishness.
3. Self-Love.
4. Violence.

با آنها (دیگران) خودت را بشناس. همان‌طور که من، پس آنها و همان‌طور که آنها، پس من. پس نه کسی را بکش، نه کسی کشته شود. (Sutta-Nipata 705)

بررسی

ترجمه مورد نظر سویدلر چنین آغاز می‌شود: «مقایسه خودت با دیگران چنین است که...». (Swidler, 1999:12) در این فقره، راه شناخت خود، شناخت وضعیت دیگران معرفی شده است؛ به این معنا که همان‌طور که مثلاً من نمی‌خواهم کشته شوم، آنها هم نمی‌خواهند کشته شوند و همان‌طور که آنها می‌خواهند زنده بمانند، من هم خواهان زنده ماندن هستم. پس نه کسی را می‌کشم و نه کشته می‌شوم. این سنجه باز هم ناظر به قاعده زرّین است و احتمالاً هم صورت مثبت و هم صورت منفی این قاعده را دربرمی‌گیرد. نکته جالب توجه در این فقره آن است که تشخیص وظایف نسبت به یکدیگر در پرتو لحاظ خواسته‌های طرفین معرفی می‌گردد که دقیقاً مفاد قاعده زرّین است.

با توصیف و بررسی سه نمونه از تعالیم بودا معلوم می‌شود که بودیسم به‌مثابه یک دین زنده و بسیار پرجمعیت، به سنجه زرّین و سیمین تصریح دارد. با توجه به چنین تعالیمی، اخراج و کشتار مسلمانان از میانمار از سوی پیروان بودا چندان موجه نمی‌نماید.

کنفسیوس و قاعده زرّین

مجموعه تعالیم و مکالمات بودا با عنوان آنالکت، یکی از مهم‌ترین و پرارجاع‌ترین منابع آیین کنفسیوس به زبان انگلیسی شناخته شده است. این مجموعه شامل پندها، کلمات قصار و مکالمات کنفسیوس است. در چند موضع از آنالکت، قاعده زرّین مورد توجه بوده است که در ادامه توصیف و بررسی می‌شود. اولین تعلیم، ناظر به ملاکی عمومی است که شامل تمام شئون زندگی انسان می‌شود:

- زیگونگ پرسید: آیا یک واژه (یک جمله‌ای) وجود دارد که به‌عنوان راهنما، تمام شئون زندگی فرد را کفایت کند؟ کنفسیوس پاسخ داد، آیا قابل فهم نیست؟ بر دیگران چیزی را که خود دوست نمی‌داری (آرزو نداری)، تحمیل نکن. (Analects: 15.24)

بررسی

در این عبارت، کنفسیوس صراحتاً قاعده سیمین (صورت سلبی قاعده زرّین) را راهنمای تمام شئون زندگی انسان معرفی می‌کند. آنچه بیشترین تأثیر را در زندگی هر فرد می‌گذارد، روابط بین‌شخصی است که شامل حقوق و اخلاق می‌شود. قدر مسلم، سنجه مورد توصیه کنفسیوس، تمامی روابط بین‌شخصی انسان را در زندگی در برخواهد داشت. بنابراین در این فقره از نگاه کنفسیوس، صورت سلبی قاعده زرّین

راهنمای زندگی است؛ یعنی این قاعده، راهنمای حقوق و اخلاق است. نکته دیگر آنکه کنفوسیوس در این فقره به نحو استفهام انکاری در پاسخ به سؤال زیگونگ، می‌پرسد: «آیا قابل فهم نیست؟» از این عبارت برمی‌آید که فهم قاعده زرّین، عقلانی و همگانی است و آنچه تعالیم ادیان به آن تعلق گرفته، در واقع ارشاد به فهم (حکم) عقل است. بنابراین از نگاه کنفوسیوس، قاعده زرّین هم عقلانی و هم مؤید به تأیید دین است. در این فقره نیز از «دیگران» بدون هیچ قیدی سخن رفته است؛ یعنی بر دیگران (هر که باشد) کاری را که خود نمی‌پسندی، تحمیل نکن.

کنفوسیوس در فقره ۴.۱۵ از آنالکت می‌گوید: تمام آنچه من آموزش دادم، می‌تواند در «یک پیوند» جمع شود. با توجه به آنچه در فقره ۱۵.۲۴ مطرح شد و کنفوسیوس، شکل سلبی قاعده زرّین را در پاسخ به «یک واژه» یا «یک کلام» که شامل تمام شئون زندگی باشد، مطرح کرد، می‌توان قاعده زرّین را روح کلی تعالیم کنفوسیوس دانست (Confucius, 2003: 183) که پیوندزننده و نظام تعالیم کنفوسیوس است. صراحت فقره ۴.۱۵ بر قاعده زرّین به اندازه‌ای است که بیش از این از کنفوسیوس گزارش نشود؛ با این حال، با ذکر فقره‌هایی دیگر از آنالکت، بحث را ادامه می‌دهیم:

زونگونگ درباره خوبی^۱ پرسید، کنفوسیوس گفت: وقتی به‌طور کلی، طوری رفتار کنی که گویا یک مهمان مهم داری و در رفتارهایت در مواجهه با عموم مردم، طوری رفتار کنی که گویا با یک فداکاری بزرگ مواجه هستی (به خوبی رسیده‌ای)، بر دیگران چیزی را که خود دوست نمی‌داری، تحمیل نکن. در این صورت، تو در زندگی شخصی و عمومی‌ات با رنج (و تنفر) مواجه نخواهی شد. (Analects: 12.2)

بررسی

در این فقره نیز صورت سلبی قاعده زرّین از سوی کنفوسیوس توصیه می‌شود؛ با این تفاوت که در اینجا قاعده زرّین در برابر پرسش از خوبی مطرح می‌گردد. گویا از این دیدگاه، رسیدن به خوبی از مَعبر رعایت قاعده زرّین می‌گذرد و از نگاه او، صورت سلبی قاعده زرّین، معیاری برای خوبی افعال است. چنین می‌نماید که در آیین کنفوسیوس، پرسش «خوبی چیست؟» چنین پاسخ داده می‌شود: «چیزی که خود نمی‌پسندی، بر دیگران تحمیل نکن» و این همان صورت سلبی قاعده زرّین است.

قاعده زرّین در آیین زرتشت

در جای‌جای کتاب گاتها سخن از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک آمده است و در فقره ۳۴.۸ منظور

1. Goodness.

از کردار بد و زشت، تباهی و ویرانی بر مردم و ستم بر ایشان معرفی می‌شود. نقلی از زرتشت از سوی سویدلر بیان شده است که چندان دقیق نیست و با جستجویی که در گاتها صورت گرفت، چنین نقلی پیدا نشد. سویدلر این جمله را به گاتها ارجاع داده است: «آنچه برای همه و هر کسی خوب است، برای من خوب است. آنچه من برای خود خوب می‌دانم، باید برای همه خوب بدانم. فقط قانون کلی (جهان‌شمول) قانون درستی است.» (Swidler, 1999:12) چنین نقلی با جستجوی فراوان در متون انگلیسی و فارسی گاتها پیدا نشد. گنسلر نیز نقل‌هایی را به زرتشت نسبت داده است (Gensler, 2013:Ch 5) که ارجاع ندارد و به‌لحاظ پژوهشی، قابل استناد نیست. وی در جای دیگر (Ibid: 56) همان نقل را از مقاله مهنراز معظمی می‌آورد که از کتاب *شایست‌نشایست* به زرتشت چنین نقلی نسبت داده می‌شود: «هر آنچه برای خود فرد خوب نیست، نسبت به دیگران انجام ندهد» (Neusner & Chilton, 2008: 68) که صورت سلبی قاعده زرّین است. عبارت دیگری از زرتشت قابل بررسی است که هم عنان با فرمان محبت است. آنچه از قدیمی‌ترین و البته معتبرترین سروده‌ها و تعالیم زرتشت، یعنی گاتها در مورد قاعده زرّین به‌دست می‌آید، فقره ۴۳.۱ از کتاب گاتها است. دو ترجمه انگلیسی و فارسی را می‌توان در نظر گرفت. در ترجمه فارسی مویذ فیروز آذرگشوب که ظاهراً بیش از دیگر ترجمه‌ها مورد تأیید زرتشتیان ایران است، چنین آمده است:

مزدا اهورایی که فرمانده مطلق است، چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. (گاتها، ۴۳.۱)

بررسی

با توجه به این فقره، نیل به خوشبختی که غایت نهایی هر انسانی است، در پرتو خوشبخت کردن دیگران معرفی می‌شود. ربط این فقره به قاعده زرّین، همانند ربط فرمان محبت با آن به تلازم است؛ یعنی تنها کسی می‌تواند این فقره را مراعات کند که اولاً به فکر دیگران باشد؛ ثانیاً آنچه را موجب خوشبختی خود است، در مورد دیگران انجام دهد و به کار گیرد. بنابراین چنین فرمانی از ناحیه اهورا مزدا، ارتباط عمیقی با سنجه زرّین می‌یابد و صورت ایجابی قاعده زرّین را از پیروان خود می‌طلبد. در این فقره نیز «دیگران» بدون قید خاصی مدنظر قرار گرفته است.

آئین هندو و سنجه طلایی

در آئین هندو، هم صورت سلبی و هم صورت ایجابی قاعده زرّین آمده است. مهابهاراته متنی است که بخش قابل توجه از تعالیم آئین هندو در آن ثبت شده است. در این متن، التزام به قاعده زرّین به‌مثابه

یک دستورالعمل برای رسیدن به خوشی و سعادت اخروی مطرح شده است:

کسی هرگز نباید با دیگری کاری کند که نسبت به خودش آن (کار) را آسیب (ضرر) می‌داند. (Mahabharata: AnusanaParva, Section CXIII, p240)
کسی که به همه موجودات همچون خود توجه می‌کند و با رفتاری همسان خود، با آنها رفتار می‌کند ... ، در رسیدن به خوشی (و خوشبختی) موفق می‌شود. (Ibid: p240)

بررسی

در عبارت اول، صورت سلبی قاعده زرّین بیان شده است که شامل «دیگران» بدون هیچ قید اضافه‌ای می‌شود. هرکس از جانب خود می‌داند که چه چیزی برای او آسیب یا ضرر دارد و چنین بصیرتی برای هر فردی مهیا است. آئین هندو با تکیه بر این بصیرت، از باورمندان خود می‌خواهد نسبت به دیگران رفتاری را که خود نمی‌پسندند، نداشته باشند. در این فقره توصیه شده است که برای رسیدن به خوشی و سعادت (باید) به همه موجودات همچون خود نگریسته شود و در مواجهه با آنها، رفتاری متناسب با رفتارهایی که برای خود می‌پسندیم، انجام دهیم. این دستورالعمل، شکل ایجابی قاعده زرّین است. جالب آنکه در این فقره به همه موجودات^۱ اشاره شده است و اگر بخواهیم به ظاهر عبارت توجه کنیم، این گزاره شامل رفتارهای ما در برابر حیوانات نیز می‌شود. به عبارت دیگر، دامنه قاعده زرّین - مطابق این دستورالعمل - علاوه بر انسان‌ها، شامل حیوانات هم می‌شود. البته دست کم می‌دانیم که این فقره، هرگونه رفتار در مقابل انسان‌های دیگر را دربر می‌گیرد. بررسی دامنه شمول قاعده زرّین از مباحث مهمی است که می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. قبل از این فقره، عبارتی آمده است که: هر رفتاری برعکس قاعده زرّین در مقابل موجودات انجام پذیرد، مانع خوشی و سعادت در جهان دیگر خواهد بود. (Ibid) بنابراین تأکید هندویزم بر مراعات قاعده زرّین مضاعف است.

مسیحیت، فرمان محبت و قاعده زرّین

از مجموع عهد جدید، انجیل متی هم شامل فرمان محبت است و هم شامل قاعده زرّین. پیش از این در بررسی یهودیت آمد که فرمان محبت به همسایه در سفر «لاویان» نیز آمده است. نقل لوقا نیز صراحتاً ناظر بر قاعده زرّین است که در ادامه توصیف و بررسی می‌شود:

هر آنچه تمایل داری افراد برای تو انجام دهند، تو هم برای آنها انجام بده ... زیرا این یک قانون و دستور انبیا است. (Matthew 7:12)
می‌باید همسایه‌ات را مانند خود دوست بداری. (Matthew 22: 39)

1. all creatures.

تحلیل و بررسی

در *دائرةالمعارف ادیان جهان بریتانیا* این بخش از *انجیل* متی ذیل عنوان «قاعده زرّین» آمده است. (Encyclopedia Of World: 383) فقره اول، صورت ایجابی قاعده زرّین را توصیه می‌کند و نکته قابل توجه در آن، تأکید بر «قانون» بودن این دستورالعمل است و اینکه قاعده زرّین به همه انبیا نسبت داده شده است. فقره دوم نیز ناظر به فرمان محبت است. فرمان محبت همچنان که در عهد عتیق آمد، (Leviticus 19:18) در عهد جدید نیز تأیید می‌گردد. پیش از این توضیح داده شد که قاعده زرّین لازمه جدایی‌ناپذیری اجرا این فرمان است. نکته قابل توجه در این است که پیش از فرمان محبت، آمده است: «می‌باید خدای خود را با تمام قلب و روح و ذهن خودت دوست بداری»؛ (Matthew 22:37,38) از این رو دوست داشتن همسایه در ردیف دوستی خدا ذکر شده است که شدت توجه این دین را به روابط بین‌شخصی نشان می‌دهد.

می‌توان گفت مسیحیت در پرتو دوستی خدا که رابطه قدسی را تنظیم می‌کند، در پی آن است که روابط بین‌شخصی افراد را هم با فرمان محبت که همزاد قاعده زرّین است، هدایت کند. الفانت در کتاب *اخلاق دینی* این فرمان را قاعده زرّین عیسی معرفی می‌کند و نقل معروف جان استوارت میل را مبنی بر اینکه اصل سودمندی کاملاً همسو و منطبق با این قاعده است، (Mill, 1998: 64) ذکر می‌کند؛ با این پیش‌فرض که بسیاری از مردم عادی باید به قواعد سنتی تمسک بجویند. (Oliphant, 2007: 115) از نگاه میل، ربط قاعده زرّین و سودگرایی، چنین توصیف می‌شود: «در قاعده زرّین عیسای ناصری، روح کامل اخلاق سود را می‌خوانیم. انجام کاری که شخص دوست دارد در مورد خودش تحقق یابد و (نیز) همسایه را مانند خود دوست داشتن، آرمان کامل اخلاق سودمندی را تشکیل می‌دهد». (Mill, 1998: 64) فقره بعدی از *انجیل لوقا* صراحتاً مراعات شکل ایجابی قاعده زرّین را از پیروان خود می‌طلبد: «همان‌گونه که می‌خواهی افراد با تو رفتار کنند، با آنها رفتار کن». (Luke 6:31)

بررسی

این فقره از *انجیل لوقا* نیز صورت ایجابی قاعده زرّین را به‌صراحت به پیروان خود توصیه می‌کند. در این فقره در ترجمه‌های مختلف، از «دیگران»، «افراد» و «مردم» استفاده شده که عمومیت قاعده را می‌رساند. این فقره در *انجیل* ذیل روش برخورد با دیگران و روش زندگی مطرح شده است. پیش از این فقره، اهمیت دوست داشتن دشمنان هم ذکر می‌شود. جالب آنکه عیسی علیه السلام بعد از ذکر قاعده زرّین در فقره ۶:۳۱، می‌گوید: «اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست دارند، چه برتری بر دیگران دارید؟ فاسقین (گناهکاران) هم چنین (رفتار) می‌کنند». (Luke 6:32)

در اینجا حضرت عیسی بلافاصله بعد از بیان قاعده زرّین، از محبت به دیگران سخن می‌گوید که نشان می‌دهد فرمان محبت را در ردیف قاعده زرّین می‌داند؛ اما نکته مهم‌تر در فقره ۶.۳۲ این است که ایشان محبت و مراعات قاعده زرّین را به خارج از دایره دوستان سرایت می‌دهد؛ به این مضمون که: دوستانه رفتار کردن با دوستان، بین همه انسان‌هایی که دوست یکدیگر شمرده می‌شوند، برقرار است. پس چه فرقی میان باورمندان به خدا و خدانا باوران و گنهکاران در این زمینه وجود دارد؟ این استفهام که متضمن توییح مخاطبان است، نشان می‌دهد باورمندان به عیسی باید دوستی و رفتار مبتنی بر قاعده زرّین را نسبت به همه انسان‌ها در نظر داشته باشند.

تأکید عیسی ﷺ بر فراخی محدوده قاعده زرّین به خارج از دوستان دقیقاً برخلاف گفته ارسطو در کتاب *نیکوماخوس* است. ارسطو در آنجا مراعات قاعده زرّین را در بین دوستان لازم شمرده (Aristotle, 2004:179) و نسبت به دیگران ساکت است. مطابق دیدگاه وی، اساس نیازمندی انسان به دوستی در این است که دیگران (دوستان) همچون خود انسان هستند (Ibid) و انسان نیازمند مراعات قاعده زرّین در برابر آنهاست. بنابراین آموزه عیسی ﷺ فراتر از دستورالعمل قاعده زرّین در اخلاق ارسطویی است.

مسیحیت و اصل مقابله به مثل

عیسی ﷺ در ادامه می‌گوید: «اگر شما فقط به کسانی که به شما خوبی می‌کنند، خوبی کنید، چه اعتباری (برتری) نسبت به دیگران دارید؟ گناهکاران نیز مفصل چنین رفتار می‌کنند.» (Luke 6:33) این فقره تنها به «قاعده مقابله به مثل» در برابر خوبی‌ها چندان رضایت نمی‌دهد. مفاد اصل مقابله به مثل می‌گوید: «با دیگران چنان رفتار که آنها با تو رفتار می‌کنند.» (بنگرید به: Gensler, 2009: 106) با التزام به این قاعده فقط با کسانی به خوبی رفتار خواهیم کرد که در مقابل ما چنین کنند؛ ضمن اینکه این قاعده در برابر عملکرد بد دیگران، رفتار بد را از ما می‌طلبد. در این فقره از *انجیل لوقا*، این اصل از سوی عیسی ﷺ مذمت شده است و ایشان چیزی فراتر از اصل مقابله به مثل را از پیروان خود طلب می‌کند.

اسلام و قاعده زرّین

گزارش آرای برخی از اندیشمندان

سویدلر و واتلز هر کدام در تأیید قاعده زرّین، حدیثی را از رسول خدا ﷺ از منابع اهل سنت نقل می‌کنند. سویدلر حدیثی به این مضمون نقل می‌کند که: «شریف‌ترین دین آن است که تو دیگران را

1. Principle of Reciprocity.

همچون خودت دوست بداری و آنچه را برای خود رنج و درد می‌دانی، برای دیگران هم بدانی». (Swidler, 1999:13) جفری واتلز نیز روایتی با این مضمون نقل می‌کند که: «هیچ‌کدام از شما به درستی ایمان نمی‌آورد، مگر آنکه برای برادرش آنچه را بخواهد که برای خود می‌خواهد». (Wattles, 1996: 4) روایتی که واتلز نقل می‌کند، در *کنز العمال* (متقی هندی، ۱۴۰۷: ۱۰۷ و ۱۰۶) آمده است و *میزان الحکمه* به نقل از *کنز العمال* روایت را چنین آورده است: «لایستکمل عبد الايمان حتى يحب لايه ما يحب لنفسه...». (ری شهری، ۱۳۹۰: ح ۱۳۲۷) واتلز آیات ابتدایی (۱-۳) سوره مطففین را شاهدهی برای تأیید قاعده زرین به نقل از آقای راست می‌آورد. (Ibid: 193) وی آیه نهم سوره حشر و تمجید قرآن کریم از اهل ایثار: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» را به‌نوعی تأیید همین قاعده می‌داند. (Ibid) توماس هامرین هم بعد از استفاده از آیاتی درباره انفاق و کمک به دیگران در مورد قاعده زرین صرفاً به آیات ابتدایی سوره مطففین می‌پردازد. (Neusner & Chilton, 2008: 102) و در ادامه، همان حدیث مورد اشاره سویدلر را شاهد می‌آورد. (Ibid) برخی نیز آیاتی چون: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن / ۶۰) و «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور / ۲۲) را ناظر بر قاعده زرین دانسته‌اند. (اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۴) به این معنا که این آیات با مبنا قرار دادن آن قاعده بیان شده‌اند و درستی قاعده را پیش‌فرض گرفته‌اند. (همان: ۱۴) وی معتقد است آیه اول از طریق به‌گواهی گرفتن وجدان آدمیان پرسش کرده است و در مورد آیه دوم هم می‌گوید: «در این آیه به‌گونه‌ای ظریف به قاعده زرین اشاره شده است؛ یعنی همان‌گونه که شما دوست دارید که خداوند از خطای شما درگذرد، خودتان نیز از خطای دیگران درگذرید. این یکی از کاربردهای قاعده زرین است». (همان: ۱۵ - ۱۴) در مورد آیه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن / ۶۰) نظر ایشان درست نیست و این آیه پیش از آنکه ناظر به قاعده زرین باشد، بر اصل مقابله به مثل در برابر احسان و خوبی دیگران تأکید می‌ورزد؛ یعنی خداوند در این آیه با توجه به استفهام انکاری می‌خواهد بر حکم عقل انسان‌ها تأکید بورزد که پاداش خوبی، جز خوبی نیست و این کاربرد اصل مقابله به مثل است، نه قاعده زرین. درست است که اصل مقابله به مثل در مورد بدی‌ها، انتقام‌جویی را به‌همراه می‌آورد و قرآن کریم نیز در مورد عفو قاتل - برخلاف اصل مقابله به مثل - ترغیب کرده است، (بقره / ۱۸۷) این اصل در مورد خوبی‌ها و احسان قطعاً ممدوح است و از این جهت، قرآن بدان توصیه کرده است: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ». آیه دومی که ایشان به‌عنوان کاربرد زرین معرفی می‌کند، چندان با صورت مشهور قاعده زرین مطابقت ندارد؛ از این رو نمی‌توان آن را نمایان‌گر قاعده یا مبتنی بر قاعده دانست. اگر بخواهیم آیه شریفه «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور / ۲۲) را مطابق قاعده زرین صورت‌بندی کنیم،

باید چنین می‌گفتیم: «از خطای دیگران بگذرید؛ همان‌طور که دوست می‌دارید دیگران از خطای شما بگذرند»؛ حال آنکه مفاد آیه چنین است: «از خطای دیگران بگذرید. مگر نمی‌خواهید که خداوند از خطای شما بگذرد؟» و این معنا با قاعده زرّین تفاوت می‌کند.

تحلیل و بررسی آیات و روایات درباره قاعده زرّین

ابتدا آیات ابتدایی سوره مطفّفین که صراحت بیشتری در قاعده زرّین دارد، بررسی می‌شود:

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ.
وای بر کم‌فروشان؛ آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند!
(ترجمه مکارم شیرازی)

بررسی

آیه موردنظر بر قاعده زرّین دلالت دارد. مفاد این آیه چنین است که کسانی که با عدم رعایت قاعده زرّین وقتی برای خود پیمانه برمی‌گیرند، حق خود را کامل می‌طلبند؛ ولی در مقابل، وقتی برای مردم پیمانه می‌زنند، کم‌فروشی می‌کنند؛ مستحق نفرین هستند. مذمت چنین افرادی در واقع تأکید بر رعایت قاعده زرّین است؛ یعنی همان‌طور که برای خودتان پیمانه مستوفاً برگیرید، برای دیگران هم چنین کاری را بیسندید. نکته مهم این آیه، واژه «الناس» است که بدون قید، شامل دیگران (غیر خود) می‌شود؛ از این‌رو مترجم در برگردان ضمیر، «الناس» را به «دیگران» ترجمه کرده است.

از میان تفاسیر موجود در مجموعه جامع التفاسیر نور، صاحب تفسیر بیان المعانی ذیل آیات ابتدایی سوره مطفّفین، روایتی را از قتاده آورده که: «ای فرزند آدم، ایفا کن همان‌طور که دوست داری (از سوی دیگران) ایفا شوی و عدالت بوز همان‌طور که دوست می‌داری در مورد تو عدالت رعایت شود». (آل‌غازی، ۱۳۸۲، ق: ۴ / ۵۱۰) علامه طباطبایی بدون آنکه نامی از قاعده زرّین ببرد، با صراحت تمام این آیه را بر قاعده تطبیق داده است. همچنین عدم رعایت قاعده زرّین را موجب فروپاشی نظام اجتماعی دانسته است. وی ذیل آیه دوم و سوم همین سوره می‌نویسد: «پس مضمون مجموع دو آیه، یک مذمت است و آن این است که مطفّفین حق را برای خود رعایت می‌کنند؛ ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند». به عبارتی دیگر، حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند، رعایت نمی‌نمایند و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن، بر تعادل حقوق متقابل است و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود، همه چیز فاسد می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۳۷۹)

نکته مهم در دیدگاه ایشان توجه به این مطلب است که وقتی افرادی حق را برای دیگران آن طور که برای خود رعایت می‌کنند، رعایت نکنند (صورت سلبی قاعده زرین)، موجب تباهی اجتماع (تمامی روابط بین شخصی) خواهد بود.

در تفسیر نمونه توسعه در معنای آیه بر همه روابط اجتماعی و اخلاقی بی‌مناسبت دانسته نشده است؛ (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۶ / ۲۴۷) به این معنا که در تمامی روابط اجتماعی و اخلاقی هر جا که به‌نوعی برای دیگران کم گذاشته بشود و برای خود برعکس عمل شود، شامل چنین نهبی نیز خواهد بود. آیه بعدی از سوره بقره است که از انفاق مال خبیث به فقیر، به دلیل عدم رعایت قاعده زرین منع شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبَّاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ. (بقره / ۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [قسمت‌های] پاکیزه آنچه به دست آورده‌اید و از آنچه برایتان از زمین برآورده‌ایم، [در راه خدا] هزینه کنید، و درحالی‌که فقط از آن [در راه خدا] مصرف می‌کنید، قصد [چیزهای] پلید را نکنید. و حال آنکه [خود شما] آن را، جز با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن نمی‌پذیرید و بدانید که خدا، توانگر ستوده است. (ترجمه فولادوند)

بررسی

مفاد این آیه چنین است که شما خودتان، مال غیر پاکیزه را از دیگران نمی‌گیرید، مگر با اغماض. پس وقتی خود درصدد انفاق هستید، مال غیر پاکیزه (خبیث) را انفاق نکنید. این آیه دقیقاً مخاطبان خود را در وضعیت مشابه فرد انفاق‌شونده تصویر می‌کند. وقتی ما در وضعیت چنین شخصی قرار می‌گیریم، نمی‌پسندیم که دیگران اموال غیر پاکیزه خود را به ما بدهند. بنابراین وقتی در مقام انفاق هستیم، این کار را برای دیگران نپسندیم. از میان مفسران معاصر، ابن عاشور جمله «و لستم بآخِذیه» را حالیه و در مقام تعلیل (و توجیه) نهی از انفاق مال خبیث دانسته است. (ابن عاشور، بی تا: ۲ / ۵۲۷) بنابر این دیدگاه، عدم رعایت قاعده زرین، علت توجیه‌کننده نهی از انفاق است.

دامنه «دیگری» از دیدگاه قرآن

آیا از دیدگاه قرآن، التزام به امور اخلاق تنها شامل مسلمانان است یا دیگرانی را که هویتی غیر از اسلام دارند هم در برمی‌گیرد؟ قرآن در مواجهه با غیرمسلمانان، چه ملاکی برای رفتار ارائه می‌دهد؟ پاسخ به

چنین سؤالاتی احتمالاً دامنه «دیگری» را در قاعده زرّین هم روشن می‌سازد. این آیه، نوع رفتار مؤمنان با غیرمؤمنان و غیرمسلمانان را تصویر می‌کند. در این آیه، جز کسانی که به مسلمانان ظلم می‌کنند و آنها را از وطنشان اخراج کرده‌اند، مستحق نیکوکاری و عدالت‌ورزی دانسته شده‌اند. بررسی این آیه احتمالاً می‌تواند به فهم دایره شمول قاعده زرّین به باورمندان و مؤمنان کمک کند.

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِمَّا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (ممتحنه / ۹ - ۸)

خدا شما را نسبت به کسانی که در مورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان دادگری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد. خدا شما را فقط از کسانی که در مورد دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و برای بیرون راندن شما همدیگر را پشتیبانی کردند، منع می‌کند که با آنان دوستی کنید؛ و هر کس آنان را دوست داشته باشد، پس تنها آنان ستمکارند. (ترجمه فولادوند)

این آیه صراحتاً، فقط افرادی را شامل نیکی کردن نمی‌داند که با مؤمنان به جنگ پرداخته باشند و آنها را از وطنشان بیرون کرده باشند. بنابراین تمامی آیات و روایاتی که ناظر به قاعده زرّین است، مطابق این آیه در مورد همه مردم با هر وصفی گسترده خواهد بود؛ مگر کسانی که در جنگ با مؤمنان هستند. البته نسبت به دو گروه مورد اشاره آیه هم معلوم نیست این آیه چندان معارض با قاعده زرّین باشد. علامه طباطبایی اصل خوش‌رفتاری و عدالت‌ورزی و حتی احسان شامل تمامی غیرمسلمانان را از این آیه می‌فهمد و تنها کسانی را از این دایره خارج می‌داند که با مسلمانان سر جنگ دارند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۳۳۹ و ۴۰۰)

اینکه آیا آیات مربوط به مقابله با کفار حربی حقیقتاً متعارض با قاعده زرّین است، چندان معلوم نیست؛ زیرا الزاماً وقتی خداوند به مقاتله با کفار حربی دستور می‌دهد، باز هم قاعده زرّین نقض نشده است؛ بلکه از اصولی مانند دوستی، احسان کردن، خوش‌رفتاری در مقابل کسانی که قصد عملی قتل و غارت مسلمین را دارند، نهی می‌شود و به مقابله عملی و غلظت در برابر آنها امر می‌شود که این الزاماً در تعارض با قاعده زرّین نیست؛ زیرا دفاع از خود در مقابل دشمن جنگ‌طلب، یک امر مشروع و پسندیده‌ای است و می‌شود همین دفاع مشروع را برای دیگران هم در شرایط مشابه پسندید.

سنجه رفتار با دیگران در نهج البلاغه

يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبُّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَطْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَ إِنْ قُلَّ مَا تَعْلَمُ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ. (نامه ۳۱)

پسرم! خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت بین خود و دیگران بگیر! پس آنچه را که برای خود دوست می‌داری، برای دیگران دوست دار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، بر دیگران نیز می‌پسند. ستم مکن! همان‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکی کن، همان‌طور که دوست داری نسبت به تو نیکی کنند، برای خویشتن چیزی را زشت بدان که همان را برای دیگری قبیح می‌شماری، به همان چیز برای مردم راضی باش که برای خود می‌پسندی، آنچه نمی‌دانی، مگو، اگرچه آنچه می‌دانی، بسیار اندک است و آنچه را که دوست نداری به تو بگویند، به دیگران نیز مگو.

گنسلر این عبارت را بدون توضیح در تأیید قاعده زرّین از منظر اسلام آورده است. (Gensler, 2013: 44) ترجمه‌ای که وی از این جمله امام علی علیه السلام ذکر کرده، ناقص است. ابن‌ابی‌الحدید ذیل این فراز از نامه، همان حدیث مورد اشاره والتلز را با وصف مرفوع‌السند به این مضمون می‌آورد: «ایمان بنده، کامل نمی‌گردد، مگر اینکه دوست بدارد برای برادرش آنچه را برای خود دوست می‌دارد و مکروه بدارد برای برادرش آنچه را برای خود مکروه می‌دارد». (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۲۱: ۱۶ / ۶۶)

تحلیل و بررسی

این عبارت از نهج‌البلاغه شاید صریح‌ترین عبارت در منابع اهل تشیع باشد که هم به شکل ایجابی قاعده زرّین و هم به صورت سلبی آن دلالت می‌کند. نکته قابل توجه در این فقره، واژه «میزان» است که با توجه به «خود» و «پسندها» و «ناپسندهای خود»، دقیقاً به سنجه بودن و ملاک‌گونه بودن قاعده زرّین دلالت می‌کند. نکته دیگر، واژه «غیرک» است که همانند واژه «دیگران» اطلاق و شمولیت دارد و هر فردی را غیر از خود دربر می‌گیرد. امام علی علیه السلام در این فقره به چند کاربست مهم قاعده زرّین اشاره می‌کند: ستم نکردن، نیکی کردن و سخن ناروا نگفتن در حق دیگران. تمامی این موارد ناظر، بر روابط بین‌شخصی مطرح شده است؛ از این‌رو در این فقره، میزان و سنجه اخلاق دینی در روابط بین‌شخصی بیان می‌شود. بیان سنجه زرّین و سپس مثال آوردن از مصادیق آن بر قاعده و قانون بودن و نیز حاکم بودن قاعده زرّین بر دیگر دستورات اخلاقی دین تأکید می‌ورزد. گویا اصل ستم نکردن نیز در دستگاه

ارزشی امام علی علیه السلام ذیل قاعده زرّین قرار می‌گیرد. می‌دانیم که قبح ستم و ظلم از دیدگاه معتزلیان و شیعیان ذاتی است. از این جهت، اینکه قاعده زرّین در این روایت، ملاک ستم روا نداشتن قرار گرفته است، قابل توجه و درخور تأمل است.

نتیجه

ادیان بزرگ یهودیت، بودا، کنفوسیوس، زرتشت، هندو، مسیحیت و اسلام همگی بر قاعده زرّین تأکید کرده‌اند. یهودیت، بودا، کنفوسیوس، هندو و نیز در برخی از نقل‌ها، زرتشت شکل سلبی قاعده زرّین را و مسیحیت، صورت ایجابی قاعده را به پیروان خود توصیه کرده‌اند. در این میان، در تعالیم اسلام هم شکل سلبی و هم شکل ایجابی قاعده زرّین توصیه شده است. گزارش همه ادیان، چندان تفاوتی با هم ندارند و در برخی از موارد عین هم هستند. در تمامی این دستورات، توجه به «خود» و «دیگری» و ملاک قرار دادن «ناپسندها» و «پسندها»ی خود در مواجهه با دیگران مدنظر قرار دارد. واژه «دیگران» هم در تمامی دستورالعمل‌ها آمده یا اینکه معادلی چون «مردم» و «افراد» یافته است. هر سه واژه، عام و مطلق است. در آئین کنفوسیوس، فهم قاعده زرّین به عقل احاله داده شده است. در یهودیت و مسیحیت، فرمان محبت تالی‌تلو و ملزوم قاعده زرّین برشمرده شده است. در مسیحیت علی‌رغم اخلاق ارسطویی، دایره قاعده به خارج از دوستان گسترده شده است و دشمنان را هم شامل می‌شود. در اسلام، قید کافر و مؤمن در قاعده وجود ندارد؛ بلکه با انضمام آیات و روایات دیگر، قاعده زرّین دست‌کم شامل ناباوران غیرمحراب هم می‌شود. با توجه به روح تعالیم انبیا و دقت در عباراتی که در این فصل از ادیان مختلف غربی و شرقی طرح شد و نیز با توجه به اینکه فقراتی که از یهودیت نقل شد، مقبول مسیحیان نیز هست، به نظر می‌رسد تمامی آئین‌ها و ادیان یادشده در قاعده زرّین، وحدت رویه دارند و در این توصیه اخلاقی یکپارچه‌اند که: «با دیگران چنان رفتار نکن که خوش نداری با تو رفتار کنند». این فرمان دینی یا فرمان الهی است که می‌تواند پشتوانه توجه به «دیگری» در میان متدینان به ادیان یادشده باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آل‌غازی، عبدالقادر، ملا حویش، ۱۳۸۲ ق، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
۴. ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، شرح نهج البلاغه، جزء ۱۶، بیروت، دار السیاقه للعلوم.

۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
۶. اسلامی، حسن، ۱۳۸۶، «قاعده زرّین در حدیث و اخلاق»، *علوم حدیث*، شماره ۴۶ - ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۷. سرودهای زرتشت، بی تا، ترجمه آذرگشب فیروز، تهران، بی جا.
۸. سینگر، مارکوس جی.، ۱۳۹۲، «قاعده زرّین»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال هشتم، شماره ۵، تهران، اطلاعات.
۹. شعیری، تاج‌الدین، ۱۴۰۵، *جامع الأخبار*، قم، رضی.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۲. متقی هندی، ۱۴۰۷، *المرشد الی کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۵، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، قم، دار الکتب الاسلامیة.
15. Aristotle, 2004, *Nicomachean Ethics*, translated and edited by Roger Crisp, Cambridge University press.
16. Confucius, 2003, *Analects*, Translated by Edward Slingerland, Hackett Publishing Company, Inc. Indianapolis / Cambridge.
17. *Encyclopedia Britannica*, 2006, Britannica Encyclopedia Of World Religions, Under International Copyright Union.
18. Hare R. M., 1965, *Freedom And Reason*, Oxford University Press.
19. Hughes, Gerard J., 2001, *Aristotle on Ethics*, London: Routledge.
20. Gensler, Harry J. 1998, *Ethics: A Contemporary Introduction*, Routledge.
21. Gensler Harry J. 2009, *Formal Ethics*, Routledge.
22. Gensler Harry J. 2013, *Ethics and the Golden Rule*, Routledge Press.
23. Swidler Leonard, 1999, *For All Life*, White Cloud Press.
24. Keown Damien, 2005, *Buddhist Ethics: A Very Short Introduction*, Oxford University Press.
25. Kant Immanuel, 1998, *Groundwork of the Metaphysics of Morals*, Cambridge University Press 1997.
26. Neusner, Jacob Bruce Chilton, 2008, *The Golden Rule, The Ethics of Reciprocity in World Religions*, Edited by Jacob Neusner and Bruce Chilton, Cromwell Press.
27. Oliphant, Jill, 2007, *Religious Ethics for AS and A2*, edited by Jon Mayled, Routledge.

28. The Gathas, the thought-provoking divine songs of Zarathushtra , Trans. by Ali A. Jafarey, 1989.
29. Sutta-Nipata, Woven cadences of early Buddhists, transl. by E. M. Hare, London: Oxford University Press 1947.
30. The Dhammapada, The Buddha's Path of Wisdom, transl. by Acharya Buddhārakkhita, Buddhist Publication Society Kandy, Sri Lanka, 1985.
31. Udanavarga, transl. by W. Woodville Eockhill, London: Trubner & Co., Ludgate Hill, 1983.
32. The Mahabharata, *Anusasana Parva*, Trans. By Pratap Chandra Roy, D. N. Bose (Digitized, 2007).
33. *Bible* , Revised Standard Version of the Bible, copyright © 1946, 1952, and 1971 the Division of Christian Education of the National Council of the Churches of Christ in the United States of America.
34. Hebrew-English Tanakh: the Jewish Bible, Hebrew-English © 2009 Varda Books.
35. Mill John Stuart , 1998, *Utilitarianism*, edited by Roger Crisp, Oxford, Oxford University press.
36. Wattles, Jeffrey, 1996, *The Golden Rule*, New York Oxford University Press 1996.

Archive of SID